

عقل چیست؟ همیشه عقل دلیل برتری انسان نیست.

آیا عقل دلیل برتری انسان بر حیوانات است؟

اگر قرار باشد، تعریفی جامع و دقیق از **عقل** ارائه کنید، چه پاسخی می دهید؟ **عقل چیست** و چه کاری انجام می دهد؟

تقریباً همه ما با مفهوم عقل آشناییم و در عمل قادریم کار **عاقلانه** را از کار **غیرعاقلانه** تفکیک کنیم، اما شاید ارائه یک تعریف دقیق علمی از عقل کمی دشوار باشد. ما از عقل استفاده می کنیم، بی آن که بدانیم عقل چه نیرویی است و منشأ آن کجاست؟

- آیا آن طور که عده ای گمان می کنند عقل همان **مغز** است؟ یا چیزی است که درون مغز قرار دارد؟
- آیا این **نیرو** فقط به ما اختصاص دارد یا موجودات دیگری هم از آن برخوردارند؟
- ممکن است عقل **اشتباه** کند؟ یا همیشه **درست** تصمیم می گیرد؟

پاسخ این سؤالات ما را با یکی از قدرتمندترین ابعاد وجودمان یعنی **بعد عقلی** آشنا می کند. عقل نیروی فوق العاده ای است و می تواند به رشد بعد انسانی ما بسیار کمک کند، به این شرط که آفاتش را بشناسیم و آنها را مدیریت کنیم.

عقل چیست؟

عقل شما در کجای بدنتان قرار دارد؟ آیا می‌توانید آن را ببینید یا لمس کنید؟ عده‌ای گمان می‌کنند عقل همان مغز است یا درون مغز قرار دارد، در حالی که این دو تفاوت‌های مشهودی باهم دارند. مغز مادی است. وزن، حجم و رنگ دارد و فعل و انفعالات فیزیکی و شیمیایی در آن رخ می‌دهد. اما عقل مادی و قابل اندازه‌گیری نیست، هیچ فعل و انفعالاتی هم درون آن رخ نمی‌دهد. اگر نیرو و توانایی **تعقل** در درون مغز بود، حیوانات هم از آن برخوردار می‌شدند، در حالی که می‌دانیم حیوانات مغز دارند، اما عقل ندارند. پس عقل چیست و منشأ آن کجاست؟

قبلاً گفتیم که ما علاوه بر بعد مادی و جسمانی، یک بعد غیرمادی به نام **نفس** داریم که حیات ما به آن وابسته است. اگر نفس ما از بدنمان جدا شود، دیگر زنده نخواهیم بود و این همان اتفاقی است، که هنگام مرگ رخ می‌دهد. عقل یکی از **قوای نفس** است، پس عقل هم عنصری غیرمادی است و ربطی به بدن ندارد، هرچند که از مغز به‌عنوان ابزاری برای **شناخت**، **تجزیه و تحلیل** استفاده می‌کند. **قوه عقل** از زمانی که روح در بدن جنین دمیده می‌شود، وجود دارد اما فعال نیست. به تدریج که انسان رشد می‌کند و مراحل نفس نباتی و حیوانی را پشت سر می‌گذارد، عقل او نیز فعال می‌شود.

عقل چه کاری انجام می‌دهد؟

عقل هم مثل سایر قوای نفس وسیله‌ای برای شناخت است. همه ما با مفاهیم کلی مثل محبت، زیبایی، ظلم، ترس و... آشنا هستیم. **درک** این مفاهیم به وسیله قوه عقل صورت می‌گیرد. عقل است که خوب و بد، زشتی و زیبایی، خیر و شر، و حق و باطل را از هم تفکیک می‌کند. حال یک سؤال مهم: آیا ممکن است عقل در **تشخیص حق و باطل** اشتباه کند؟

عقل تنها در صورتی می‌تواند بدون **خطا** و اشتباه **حکم** کند، که تمام ورودی‌ها و اطلاعات دریافتی‌اش صحیح و کامل باشد، اما چنین چیزی ممکن نیست، زیرا همان‌طور که می‌دانیم، **ورودی‌های عقل** همان حواس پنجگانه ما هستند که **اطلاعات** جهان اطراف را توسط قوای بینایی، شنوایی، لامسه، بویایی و چشایی به مغز مخابره می‌کنند. این اطلاعات تحلیل شده و در

نهایت حکم نهایی توسط عقل صادر می‌شود. به این دلیل که اطلاعات ورودی نمی‌توانند بی‌خطا و اشتباه باشند، عقل هم نمی‌تواند، بی‌خطا عمل کند، مانند چیزی که در بازی‌های دیداری و خطای دید تجربه می‌کنیم، ما چیزی را می‌بینیم و می‌پذیریم، که در حقیقت وجود ندارد.

علاوه بر اطلاعات اشتباه حالت دیگری هم وجود دارد، که در آن عقل اگرچه به اشتباه دچار نشده است، اما توان ابلاغ تصمیم درست را ندارد. برای مثال زمانی که بعد حیوانی وجود ما بر اثر توجه بیش از حد خیلی رشد کرده باشد، می‌تواند بر عقل غلبه کند. در این صورت با وجود تشخیص درست عقل هم‌چنان به کار اشتباه‌مان ادامه می‌دهیم.

بنابراین اگر می‌توانستیم عقل را مستقل از هر ورودی دیگری به کار بگیریم، و یا تمایلات سایر قوا را در آن دخالت ندهیم، می‌توانستیم از درست بودن احکام صادره توسط عقل صد در صد مطمئن باشیم.

مثال‌های ریز و درشت فراوانی در زمینه غلبه ابعاد پایین‌تر وجود (بعد جمادی، نباتی و حیوانی که این ابعاد را به اختصار بعد حیوانی می‌نامیم) بر بعد عقلی وجود دارد. یک مثال ساده و ملموس مواقعی است که به نیت خرید کالایی ضروری از خانه خارج می‌شویم، اما پس از چند ساعت پرسه زدن در خیابان، با انبوهی از کالاهای غیرضروری و جیب خالی به خانه برمی‌گردیم! خیلی وقت‌ها به هیچ‌کدام از چیزهایی که خریده‌ایم، احتیاج نداریم و خودمان از این موضوع آگاهیم، اما وقتی می‌بینیم، هوس می‌کنیم و قادر نیستیم جلوی این شهوت را بگیریم. گاهی اصلاً گرسنه نیستیم، اما به محض دیدن خوراکی‌های رنگارنگ عقل از سرمان می‌پرد! امروزه دیگر کسی را پیدا نمی‌کنید، که از خطرات مصرف دخانیات بی‌اطلاع باشد، با این حال هنوز عده زیادی از مردم دخانیات مصرف می‌کنند.

این‌ها مثال‌های پیش پا افتاده‌ای است، از غلبه بعد حیوانی بر عقل، که در بیشتر مواقع خسارتش متوجه خود شخص می‌شود. اما مواردی هم وجود دارد که خلق و خوی حیوانی بعضی افراد حیات میلیون‌ها انسان را به خطر می‌اندازد. قطعاً شما بهتر از ما می‌توانید نمونه‌هایش را بیان کنید.

آیا عقل فقط به انسان‌ها داده شده؟

عقل فقط مخصوص انسان نیست. فرشته‌ها هم عقل دارند و از عقل محض آفریده شده‌اند. اما از آن‌جا که فرشتگان موجوداتی غیرمادی هستند و ابعاد جمادی، نباتی و حیوانی در وجودشان تعریف نشده، در نتیجه با آسیب‌های این ابعاد هم روبه‌رو نیستند و عقل آنها دچار خطا نمی‌شود. به بیان دیگر فرشتگان از عقل محض تشکیل شده‌اند، به همین دلیل معصوم‌اند و هیچ اشتباهی از آن‌ها سر نمی‌زند.

همان‌طور که گفتیم فرشتگان عقل دارند، اما شهوت ندارند. حیوانات شهوت دارند، اما فاقد عقل‌اند. ما انسان‌ها هر دوی این قوا را در وجودمان داریم. کمالات حیوانی ما را هم‌رديف حیوانات قرار می‌دهد و کمالات عقلی ما را به فرشتگان شبیه می‌کند. عده‌ای گمان می‌کنند، وجود عقل باعث برتری انسان بر سایر موجودات می‌شود، اما چنین نیست. فرشتگان هم عقل دارند و از این جهت تفاوتی بین ما و آن‌ها نیست. برتری ما بر سایر مخلوقات به بعد انسانی وجود ما مربوط می‌شود، که مرتبه‌ای است بالاتر از عقل، و در هیچ موجودی به‌جز انسان وجود ندارد.

غلبه کمالات حیوانی بر کمالات عقلی

انسان ترکیبی از عقل و شهوت است و بین این دو بعد از وجودش جدال و کشمکشی دائمی برپاست. زمانی عقل بر شهوت غلبه می‌کند و زمانی شهوت بر عقل. غلبه شهوت تنها به تمایلات جمادی مثل خرید کردن، یا تمایلات گیاهی مثل خوردن محدود نمی‌شود، بلکه به حوزه کمالات عقلی هم ورود پیدا می‌کند.

کارهای مطالعاتی و علمی، پزشکی، مهندس، مجتهد، مخترع، دانشمند و استاد شدن و به طور کلی هر چیزی که به حوزه علم، دانش و اندیشه مربوط شود، در حیطه کمالات عقلی است. بعضی از آدم‌ها زیاد در بند خانه، ماشین، لباس و خوراکی نیستند، اما در عوض شهوت کار علمی و مطالعاتی دارند و عاشق تحقیق، پژوهش، چاپ کتاب و مقاله‌اند. کمالات عقلی با وجودی که نسبت به دیگر کمالات ارزشمندترند، اما می‌توانند ما را به همان آفاتی دچار کنند، که ذکر کردیم. یعنی ما را چنان به خود مشغول کنند، که بعد انسانی وجودمان را به طور کلی فراموش کنیم.

کسب علم و دانش امری مقدس و نورانی است و دانشمندان و اندیشمندان در تمام جوامع مورد احترام‌اند. اما باید توجه کنیم که علم‌آموزی یک کمال عقلی است نه یک کمال انسانی. کمالات عقلی هم مثل سایر کمالات باید زمینه رشد فوق عقل را فراهم کنند و گرنه خودشان تبدیل به آفت می‌شوند. کم نیستند افراد تحصیل کرده و حتی عالمان دینی که شهوت دانایی آنها را از رسیدن به کمال انسانی بازداشته است.

بعد عقلی یکی از ابعاد اصلی وجود ماست و کمالات مربوط به آن نسبت به کمالات جمادی، گیاهی و حیوانی از قداست و نورانیت بالاتری برخوردار است. برخورداری از عقل از یک سو مرز جداکننده ما و حیوانات و از سوی دیگر مرز مشترک ما و فرشته‌هاست. ما به جهت داشتن عقل به فرشته‌ها شباهت داریم، اما همین عقل اگر تحت حاکمیت قوای حیوانی قرار بگیرد، از مسیر اصلی خود منحرف شده و تبدیل به ابزاری برای برآوردن امیال قوای حیوانی نفس ما می‌شود. پس صرف داشتن عقل نمی‌تواند عامل برتری ما بر فرشته‌ها باشد. این برتری به صورت بالقوه است و تنها زمانی به فعلیت درمی‌آید که بعد انسانی یا فوق عقلی بر تمام ابعاد وجودی ما حکومت کند. در غیر این صورت مرحله به مرحله سقوط می‌کنیم تا جایی که هم‌ردیف حیوانات و حتی پایین‌تر از آنها قرار می‌گیریم.